

پیوند منظرین مذهب و طبیعت در قفقاز

فاطمه السادات شجاعی

کارشناس ارشد طراحی شهری
fshojaie66@gmail.com

این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی «هنر و تمدن قفقاز» و برداشت‌های میدانی سفر مطالعاتی آن در سال ۱۳۹۲ است که در مرکز پژوهشی نظر انجام شد.

چکیده

اگر منظر طبیعی را حاصل تعامل اولیه انسان و طبیعت پیرامون بدانیم، منظر فرهنگی انتخاب طبیعت برای تعامل در طول زمان است که می‌تواند در دوره‌های مختلف علل متفاوت داشته باشد. منظر آیینی به عنوان بخش مهمی از منظر فرهنگی، عکس‌العمل جامعه نسبت به نیازهای معنوی‌اش به حساب می‌آید. انسان در دوران باستان در پیوندی عمیق و مستقیم با طبیعت زندگی می‌کرد. از این رو منظر زیستی و منظر آیینی شکل گرفته از آن دوران، متأثر از منظر طبیعی بود. این امر به ویژه در مورد منظر آیینی هنگامی اهمیت پیدا می‌کند که می‌دانیم عناصر طبیعی منظر در عهد باستان، همواره علاوه بر عملکرد خود دارای مفاهیم رمزی و معنوی نیز بوده‌اند؛ از این رو، ارتباط آیین با طبیعت ارتباطی مستقیم و غیرقابل تفکیک بوده است.

در سرزمین گرجستان با توجه به غلبه منظر کوهستانی، کوه همواره نقشی بنیادی در ساختار زندگی جمعی داشته و به عنوان عنصری منظرین، دارای سه وجه عملکردی، معنایی و زیباشناسانه بوده است. اهمیت این سه وجه در منظر آیینی منطقه، با توجه به زمان و مکان شکل‌گیری منظر آیینی و سطح فرهنگی جامعه متفاوت بوده است.

در این نوشتار با انتخاب سه مجموعه آیینی در مستیا، اوپلیستیخه و متسختا در گرجستان، ابتدا به مقایسه نقش کوه در شکل‌گیری منظر آیینی این سه مجموعه پرداخته می‌شود که در هر یک از آنها، با توجه به ارتباط کوه با جامعه فرهنگی مرتبط با آن، منظر فرهنگی به گونه‌ای متفاوت شکل گرفته است. به طوری که در مستیا وجه عملکردی کوه در ایجاد نقش معنایی و شکل‌گیری منظر آیینی غالب بوده، در اوپلیستیخه غلبه با وجه زیباشناسانه و معنایی کوه بوده و در متسختا مکان قرارگیری کوه به عنوان منطقه سوق‌الجیشی اهمیت داشته است. سپس از خلال مقایسه این سه منظر آیینی به چرایی و چگونگی ارتباط منظر طبیعی و فرهنگی پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی

منظر آیینی، منظر طبیعی، منظر فرهنگی، عملکرد، زیباشناسی.

کوه، عنصر طبیعی مقدس

در شکل‌گیری اماکن مقدس بسترهای متفاوتی مشاهده می‌شود که متأثر از عوامل طبیعی، جغرافیایی، فرهنگی و اعتقادی است. پیوند عمیق میان عناصر طبیعی و مقدسات، انسان را به ایجاد ارتباط میان اماکن مذهبی با طبیعت واداشته است. رابطه میان این دو عنصر از دیرباز در نقاط مختلف دنیا مشاهده شده و تا به امروز ادامه داشته است.

کوه، عنصر طبیعی است که جایگاه ویژه‌ای در مراسم مذهبی و آیینی ادیان مختلف داشته است. اقوام مختلف کوه را محل ستایش خدایان می‌دانستند و این نظرگاه طبیعی را به نیایشگاه‌ها اختصاص می‌دادند. غارهای نیایشی گاه به صورت طبیعی و یا توسط انسان‌ها در دل کوه ایجاد شده است. کوه در مرکز عالم واقع شده و نقطه تلاقی زمین و آسمان است. کوه به آسمان نزدیک‌تر است و از قداست دوگانه رفعت و رمزپردازی فضایی برخوردار است. این امر موجب شده برای همه خدایان آسمانی، بر بلندی‌ها، جایی برای عبادت تعبیه شود (الیاده، ۱۳۷۲: ۱۰۶). در همه ادیان زرتشت، مسیحیت، هندو، بودایی و اسلام تقدس کوه با استقرار اماکن مقدس در دل طبیعت و بر بالای آن معنا می‌گیرد. چنانکه پیرسبز در یزد، غارهای الفانتا و آجاتا در هند، معابد بودایی در تبت، زیارتگاه مریم مقدس در دهکده لورد فرانسه و زیارتگاه فاطیما در لیسبون پرتغال، امامزاده داوود و امامزاده هاشم در ایران شواهد این ادعا هستند. از آنجا که در این مکان‌ها، دسترسی به آب جاری اهمیت داشته، این عنصر طبیعی و مقدس به همراه چشمه، چاه و یا رود مشاهده می‌شود. همچنین در باب تقدس کوه می‌توان این نکته را ذکر کرد که کوه و غارهایی در دل کوه، محل خلوت و ریاضت زاهدان و راهبان در ادیان مختلف بوده است. چهل روز عبادت پیامبر (ص) در غار حرا در کوه نور نشان‌دهنده تقدس شمردن کوه در دین اسلام است.

فرضیه

کوه، مهم‌ترین عنصر طبیعی مشترک در شکل‌گیری منظر آیینی گرجستان بوده و در دوره‌های مختلف به اشکال متفاوت این جایگاه را حفظ کرده است.

تعریف اصطلاحات

پیش از وارد شدن به بحث، برای درک مفهوم "منظر آیینی" و ارتباط آن با "طبیعت"، واژه‌هایی نیازمند تعریف است:

• منظر طبیعی: عده‌ای از صاحب نظران منظر طبیعی را طبیعت منهای انسان ذکر می‌کنند. فردیناندز (Ferdinands) نظری را که هیچ‌گونه اثری از فعالیت‌های انسان در آن نباشد را منظر طبیعی معرفی می‌کند (غضنفری، ۱۳۸۷: ۲۰). منظر طبیعی، طبیعت بکری است که توسط انسان تفسیر شده و هویت ویژه‌ای یافته است. از حیث مداخله فیزیکی، همچون طبیعت بکر، انسان

در آن تصرفی نداشته، اما از حیث ارتباط ذهنی، بخشی از طبیعت بکر است که ذهن انسان به آن معنا بخشی کرده است. خورشید به مثابه مهر، سحر به مثابه زمان ویژه مناجات با خدا از مصادیق منظر طبیعی به شمار می‌روند.

• منظر فرهنگی: منظر فرهنگی، یک منظر طبیعی است که به وسیله یک گروه انسانی شکل یافته است. فرهنگ نقش عامل را دارد و طبیعت نقش واسطه و منظر فرهنگی ماحصل آن است (Sauer, 1925).

• منظر آیینی: آیین زیرمجموعه فرهنگ است و منظری که می‌سازد در عین آنکه فرهنگی است، به واسطه اهمیت نمادهای آیینی در آن، منظر آیینی خوانده می‌شود (منصوری، ۱۳۹۲). منظر آیینی بخشی از منظر فرهنگی است که بازتاب آداب و رسوم، مراسم، مذهب و آیین‌های دینی را به نمایش می‌گذارد. مراسمی مانند سیزده بدر، جشن سده، پنجاهه و ... مراسم سیزده بدر آیینی است که در دل طبیعت شکل می‌گیرد و ریشه در احترام به آب و سبزه دارد. مراسم سده، منظر آیینی بسیار کهنی است که به نیایش آتش اشاره دارد. به اعتقاد فریدون جنیدی با استناد به اشعار شاهنامه پیدایی آتش و نیایش آن به زمان «هوشنگ‌شاه» می‌رسد:

بسنگ اندر آتش از او شد پدید کزو در جهان روشنی گستردید

"پیدا است که دوره هوشنگ آغاز بکارگیری سنگ است و نیز پیدا است که از برخورد سنگ‌ها به یکدیگر نخستین جرقه‌های آتش دیده شده..." (جنیدی، ۱۳۸۶: ۷۲).

مراسم پنجاهه، دخیل بستن به درختان و نوشیدن آب برای تبرک ریشه در توسل به ایزدانوی آب دارد. همچنین خواندن نماز باران و توسل جستن به حضرت زهرا (س) و بسیاری رسوم و آیین‌های آب‌خواهی، در ایران در تداوم نیایش آب و توسل به آن‌هایتا بوده و امروز دگرگون شده است (جوادی، ۱۳۹۲). گذاردن کوزه آب بر سفره هفت‌سین اهمیت وجود نمادی از آن‌هایتا بر سفره هفت‌سین را نشان می‌دهد (حیدری، ۱۳۸۱).

جایگاه کوه در منظر آیینی گرجستان

در این مقاله سه منظر فرهنگی مختلف مستیا، اوپلیستیخه و متسختا بررسی می‌شود که هم از نظر زیستی و هم از نظر آیینی (دو رکن اصلی منظر فرهنگی) متفاوت‌اند. در این راستا به بررسی نقش منظر طبیعی در شکل‌گیری منظر آیینی پرداخته می‌شود. سعی بر این است با استناد به مشاهدات میدانی و مبانی نظری موجود به این سؤالات پاسخ داده شود:

آیا میان منظر طبیعی و منظر آیینی گرجستان ارتباطی وجود دارد؟ آیا عنصری خاص از منظر طبیعی وجود دارد که در ساخت منظر فرهنگی این سرزمین نقش اصلی و تکرارشونده داشته باشد؟

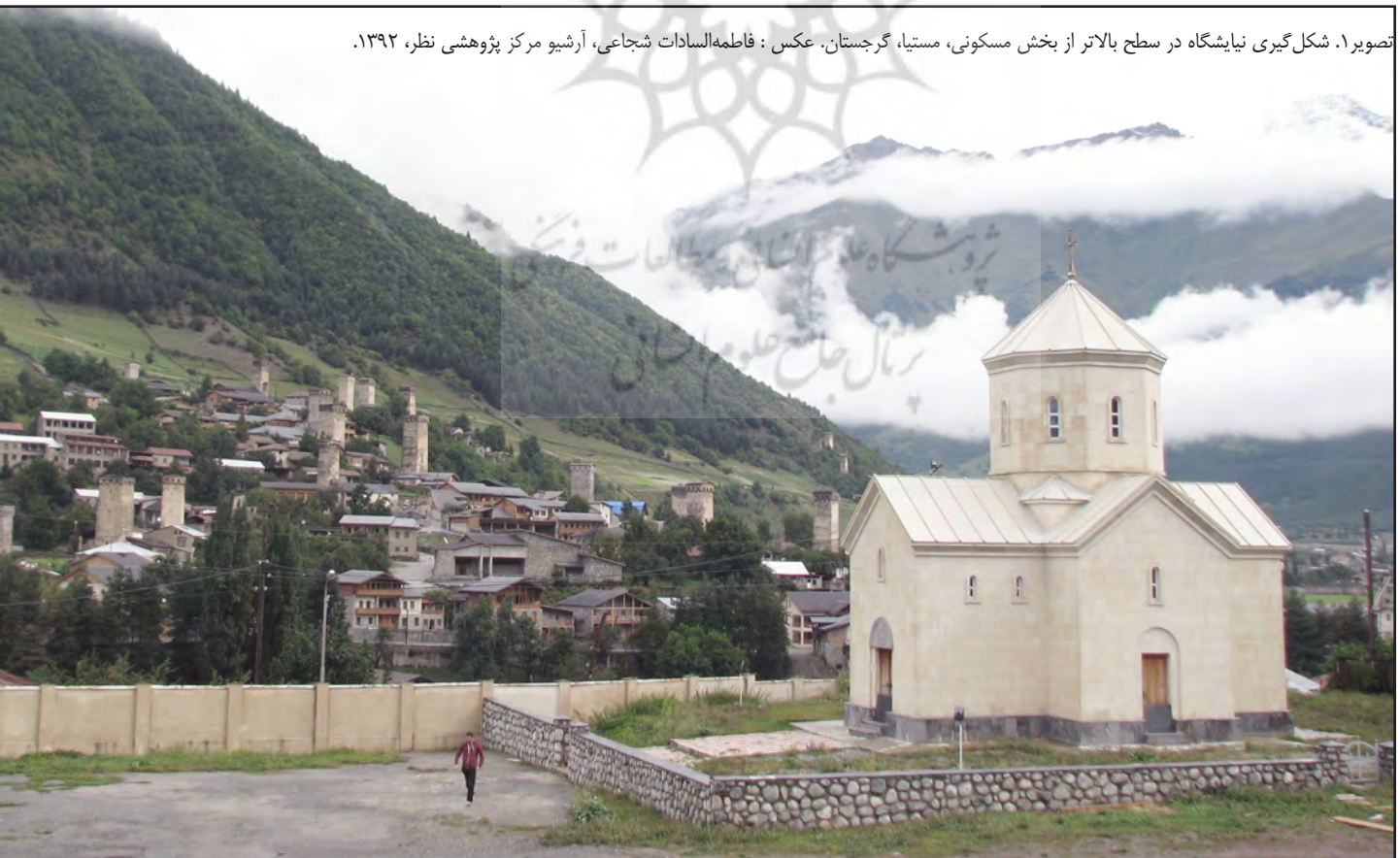
بررسی نمونه‌های مورد بازدید

۱. مستیا (Mestia): وابستگی حیات مادی به منظر آیینی

مستیا، روستاشهری توریستی است که در شمال غرب کشور گرجستان قرار دارد. سکونت اولیه این منطقه در کنار رود و در دامنه کوه شکل گرفته است. امرار و معاش در مستیا بیشتر بر پایه فعالیت دامداری و کشاورزی بوده و موهبت‌های الهی مثل باران تأثیر عمده‌ای در زندگی آنها داشته است. برج‌های دفاعی این منطقه، مکانی امن در برابر حمله دشمن محسوب می‌شدند؛ از آنجا که در زمان حمله، کاربری اقامتی موقت نیز داشتند. فضای آیینی مستیا را کلیسایی بر بالای تپه در روستا شکل می‌دهد؛ هرچند ترکیب فضای آیینی و کوه در ادیان باستانی منطقه خاورمیانه و قفقاز ریشه داشته لذا می‌توان احتمال داد کلیسای مذکور بر بقایای عبادتگاهی کهن‌تر ساخته شده باشد. حتی اگر این چنین هم نباشد، ترکیب منظر طبیعی و معماری برای ساخت منظر آیینی، برگرفته از اعتقاد اقوام کهن به کوه به عنوان نزدیک‌ترین عنصر به آسمان، و انتخاب آن برای ساخت فضای پرستش خدایان و توسل برای برخورداری از نعمات مادی همچون بارش باران و یا توقف آن و مصون ماندن از بلایا بوده است. چنانکه «شهره جوادی» اهمیت نیایش ایزدبانوی آب‌ها را به جهت دانستن حاصلخیزی، نعمت و فراوانی از آن او می‌داند (جوادی، ۱۳۸۶). بر این اساس می‌توان ادعا کرد مکان‌یابی

نیایشگاه و انتخاب محل استقرار آن در ترکیب با عنصر طبیعی مقدس بوده است که مردم جهت نیایش، قربانی و طلب باران و باروری محصول به آنجا توسل می‌جستند. چنانچه براساس وضع موجود قضاوت کنیم، می‌توان گفت نیایشگاه که در ترکیب با منظر طبیعی، منظر آیینی مستیا را شکل می‌دهد الگوی زیباشناسانه فضای آیینی خود را از این الگوی تاریخی برگرفته است. هرچه سابقه حضور تمدن در مستیا کهن‌تر باشد، احتمال صحت حالت اول بیشتر می‌شود. چنانکه در گذر زمان این اماکن مقدس در آیین جدید به کلیسا تبدیل شده‌اند و همچنان مأمن مردم و محل راز و نیاز بوده‌اند (پورجعفر و نژادبراهیمی، ۱۳۸۸). نیایشگاه مستیا نیز با همین منطق مطابق شرایط تغییر شکل داده و امروزه بر کوه، رودخانه مولخرا (Mulkhra) عنصر طبیعی دیگری است که در مکان‌یابی نیایشگاه نقش داشته است. نیایشگاه مستیا بر روی کوهی قرار گرفته که پیرامون آن رودخانه در جریان است. کوه عنصر اصلی منظر طبیعی در منظر آیینی در سطح بالاتر از بخش مسکونی است. رودخانه به عنوان عنصر دوم در کنار آن جریان دارد. از آنجا که کوه مرتفع و منشأ نزولات جوی بوده باعث شده است ساکنین را برای پرستش خدا و طلب باران به سمت خود سوق دهد. به دنبال این اعتقادات بر روی کوه ارتباط با عالم ماورا ممکن می‌شود. رودخانه، به عنوان عنصر طبیعی مرتبط با کوه مقدس،

تصویر ۱. شکل‌گیری نیایشگاه در سطح بالاتر از بخش مسکونی، مستیا، گرجستان. عکس: فاطمه‌السادات شجاعی، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.



گرفته است. تأکید اصلی نظرگاه بر کوه و در درجه دوم به رودخانه متکواری (Mtkvari) است (تصویر ۵). آب جاری همواره در آیین‌های باستانی و مراسم مذهبی جایگاه ویژه‌ای داشته و دسترسی نیایشگاه به آب مشاهده می‌شود (آزاد، ۱۳۸۴). این امر به سبب اهمیت آب در حیات جوامع، و ارتباط آن با کوه به عنوان سرمنشأ نزولات جوی و جایگاه ایزدان بوده است. براساس ساختار فضایی مجموعه اوپلیستیخه و نوع جهت‌گیری و ارتباط آن با کوه و رود به نظر می‌رسد این دو عنصر طبیعی-فرهنگی، در مرکز صحنه فضای آیینی قرار گرفته و سایر فضاها با توجه به آنها شکل گرفته‌اند.

۳. متسختا (Mtskheta) : کوه مقدس، مسلط بر طبیعت
متسختا شهر کوچکی در مرکز گرجستان است که در دامنه کوه شکل گرفته است. جریان آب رودخانه همجوار آن، بستر مناسبی را برای زندگی فراهم آورده است. در بافت مسکونی شهر، دو کلیسا و در خارج آن یک صومعه قرار دارد. صومعه جواری نیایشگاه آیینی شاخصی بوده که در خارج شهر و در بطن طبیعت بکر شکل گرفته است. مکان‌یابی آن بر روی کوه و مشرف بر مناطق

تصویر ۲. مکان‌یابی نیایشگاه بر روی کوه، مستیا، گرجستان. عکس: فاطمه‌السادات شجاعی، آرشيو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.



ارتباط منظر آیینی و طبیعی را قوی‌تر می‌سازد و انتخاب کوه وابسته به این اعتقادات و همچنین وجود رودخانه است؛ به طوری که وجود یکی از آنها بدون دیگری نمی‌تواند مکان مناسب شکل‌گیری منظر آیینی را تأمین کند (تصویر ۲).

۲. اوپلیستیخه (Uplistsikhe) : منظر آیینی مستقل از مجتمع زیستی

اوپلیستیخه، مجموعه مذهبی شکل گرفته بر روی کوه در نزدیکی شهر گوری گرجستان است. در بعضی منابع از این مجموعه به عنوان مجموعه مسکونی یاد می‌شود. اما در اصل معنای تحت‌اللفظی آن به "معبد" یا "قلعه خدایان" بر می‌گردد. علاوه بر این وجود طاقچه‌هایی داخل دیوار که محل قرار دادن نور و روشنایی بوده و اتاقک‌های کوچک با حوضچه‌های بزرگ آب در کف اتاق این گمان را که تنها مجموعه مسکونی بوده نقض می‌کند. نقش ویژه آب در این مجموعه نظریه کارکرد مذهبی این مکان را قوی‌تر می‌سازد، به طوری که مسیر آب، حوضچه‌های سراسر مجموعه را به هم مربوط می‌سازد (تصویر ۳). "آب عنصر نخستین است که همه چیز از آن آفریده شده، بنابراین یک نماد باستانی برای زهدان و باروری و همچنین نشانه تطهیر و نوزایی بود" (هال، ۱۳۸۰: ۱۹۵). به نظر می‌رسد این حوضچه‌ها و مسیرهای آب، با امر تقدس آب و نیز وجود پادیاو در فضاهای آیینی ادیان باستانی مرتبط باشد. احتمال نبودن مجموعه زیستی در نزدیکی منطقه، این فرض را قوی‌تر می‌سازد که مکان مذهبی، مستقل و به جهت ستایش کوه مقدس شکل گرفته است. حتی اگر مجموعه زیستی نیز مشاهده شود بازهم این ادعا که اوپلیستیخه، معبد و محل پرستش بوده نقض نخواهد شد. در آن صورت می‌توان گفت معبد در ارتباط با آن شکل گرفته است. به اعتقاد نگارنده فضاهای مذهبی با رشد فرهنگی تکامل یافته‌اند، به طوری که با گذر زمان علاوه بر رفع نیازهای مادی اهداف دیگری به آنها اضافه شده است. در اوپلیستیخه، نیایشگاه محلی مستیا به مجموعه مذهبی تبدیل شده که علاوه بر پرستش، ایجاد ارتباط بصری با عناصر مقدس طبیعت پیرامون اهمیت یافته است. وجود ایوان‌هایی با نظرگاه‌های رو به طبیعت، اثبات روشنی بر این موضوع است که مجموعه با هدف توجه به کوه مقدس مقابل شکل گرفته است (تصویر ۴). به بیان دیگر مکان‌یابی فضا به گونه‌ای بوده که در کنار رفع نیاز معنوی، نیاز زیباشناسانه از یک فضای آیینی نیز تأمین شود. از این روست که شاهد هستیم در این مکان قاب‌هایی جهت تماشا و تقدیس همزمان عنصر طبیعی مقدس تعبیه شده است.

به نظر می‌رسد اوپلیستیخه دستاورد تمدنی پیشرفته باشد که در آن، کوه به عنوان بخشی از منظر طبیعی، عنصر اصلی فضای آیینی است. در اینجا فضای آیینی نه بر فراز کوه، که در مقابل آن به صورت یک نظرگاه و شاید زیارتگاه کوه مقدس شکل



که به لحاظ سوق الجیشی اهمیت یافته و محل استقرار صومعه جوارى است (تصویر ۶). مکان قرارگیری این کوه و همچنین استقرار صومعه بر روی آن، تقدس کوه و اهمیت ویژه آن را نشان می‌دهد.

در اطراف شهر تپه‌ها و کوه‌های متعدد و حتی هم‌ارتفاع کوه مقدس دیده می‌شود اما پیوند دو رود در کنار این بلندی آن را از دیگر نقاط هم‌ارتفاع متمایز ساخته است. همچنین کلیسا روی سکوی سنگی بر بالای کوه ساخته شده که به نظر می‌رسد وجود سکو دلیلی بر تأکید بیشتر جهت قرارگیری فضای قدسی بر ارتفاع و تشدید عظمت و رفعت آن بوده است.

شباهت صومعه جوارى (صلیب) با نمونه‌های ذکر شده، در ترکیب فضای آیینی با عنصر طبیعی کوه و رود است. کلیسای مستیا در پیوند با بافت مسکونی شهر و در خدمت یک مجموعه زیستی است و در سطح محلی تعریف شده، اما متسختا در خدمت چند مجموعه زیستی و در سطح ناحیه تعریف می‌شود.

به علاوه در طبیعت اطراف آن مداخلات کشاورزی صورت نگرفته و بکر مانده است. با این حال در هر دو فضا، نقش بنیادین کوه در شکل‌گیری فضای آیینی، آشکار است.

نکته مهم این است که در جوامعی با سطوح فرهنگی و حوزه نفوذ متفاوت، همچنان کوه، مهم‌ترین عنصر منظر طبیعی در ساختار منظر آیینی است. رودخانه نیز به عنوان عنصری وابسته



تصویر ۳. وجود حوضچه‌های بزرگ آب در اتاق‌های مجموعه مذهبی، اوپلیستیخه، گرجستان. عکس: فاطمه‌السادات شجاعی، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.

مسکونی پیرامون است. این کوه در انتهای دره متکواری، بستر مناطق مسکونی اطراف، واقع شده است.

رودخانه همیشه جاری و زندگی‌بخش متکواری در این محدوده با کوه و با رودخانه آراگوی (Aragvi) که در خارج شهر جریان دارد تلاقی پیدا می‌کند. تلاقی دو رودخانه با کوه، نقطه عطفی است

تصویر ۴. ایوان نظرگاهی به سمت کوه مقدس، اوپلیستیخه، گرجستان. عکس: فاطمه‌السادات شجاعی، آرشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.





به کوه قرار دارد. علاوه بر کلیساهای ارتودکس، مجموعه صومعه و کلیسای کاتولیک در کشورهای اروپایی نیز معمولاً بر بلندی کوه‌ها قرار گرفته و بعضاً دارای چاه‌های مقدس یا همجوار با آب شکل گرفته‌اند. کلیسای مریم مقدس در ماریسی (Marseille) فرانسه و مجموعه سنت اودیل (sainte Odile) در استراسبورگ (Strasbourg) فرانسه از جمله آنها به شمار می‌رود.

چرایی شکل‌گیری منظر آیینی در گرجستان

علی‌رغم منظر طبیعی و فرهنگی متفاوت، شاخص‌ترین عنصر طبیعی که منظر آیینی در ترکیب با آن درک می‌شود در مستیا، اوپلیستیخه و متسختا مشترک است. کوه، مهم‌ترین عنصر طبیعی و رودخانه به عنوان عنصر تابع کوه، شکل‌دهنده منظر آیینی در هر سه مورد است:

- کوه به عنوان منشأ نزولات جوی و رودخانه پیرامون آن در مستیا مقدس شمرده شده و در ترکیب با نیایشگاه، منظر آیینی را به وجود آورده است. نیایشگاه مستیا به واسطه قرار گرفتن بر روی ارتفاع از دوردست دیده شده و به صورت مستقیم و ملموس قابل درک است. این مکان مقدس به نیاز معنوی ساکنین پاسخ داده و

تصویر ۵. انتخاب چشم‌انداز برای تأکید بر کوه مقدس مقابل، اوپلیستیخه، گرجستان. عکس: فاطمه‌السادات شجاعی، ارشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.

تصویر ۶. مکان‌یابی صومعه جوار در تالاقی دو رود و کوه، متسختا، گرجستان. عکس: فاطمه‌السادات شجاعی، ارشیو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.





تصویر ۷. امکان دیدن صومعه جواری بدون واسطه، متسختا، گرجستان. عکس : فاطمه السادات شجاعی، آرشو مرکز پژوهشی نظر، ۱۳۹۲.

وجه عملکردی آن در ایجاد نقش معنایی غالب است.

- عبادتگاه اوپلیستیخه در مقابل کوه مقدس است و نظرگاه آن محسوب می‌شود. به طوری که عنصر طبیعی شاخص، کوه روبروست. این ادعا با توجه به جهت‌گیری اتاق‌ها و ایوان اصلی و تأکید بر چشم‌انداز به سمت کوه مقابل اثبات می‌شود. مجموعه عبادتگاهی اوپلیستیخه علاوه بر تأمین نیاز معنوی، نیاز زیباشناسی را هم در بر گرفته است.

عملکرد آیینی و چشم‌انداز به کوه مقدس در ترکیب با یکدیگر مفهوم جدیدی از منظر آیینی را به وجود آورده که زیبایی و عملکرد توأمان در آن دخیل هستند. درک هویت منظرین این مجموعه، به طور غیر مستقیم حاصل می‌شود.

- عنصر مقدس کوه و اهمیت آب در مکان‌یابی صومعه جواری متسختا نقش مهمی داشته است. چنانکه صومعه در نقطه تلاقی کوه و رودخانه استقرار یافته است. این مکان مانند کلیسای مستیا با قرار گرفتن بر روی کوه از منظر دور دیده می‌شود و درک آن به صورت مستقیم و ملموس امکان‌پذیر است (تصویر ۷). متسختا در پاسخ به نیاز معنوی ساکنین عملکرد مذهبی خود را کامل کرده است (جدول ۱).

جدول ۱. چرایی شکل‌گیری منظر آیینی. مأخذ : نگارنده.

عامل منظرین	مستیا	اوپلیستیخه	متسختا
تقدس طبیعت و عناصر آن	کوه و رود	کوه مقدس مقابل	کوه و رود
نقش نیایشگاه به لحاظ بصری	امکان دید از منظر دور	نظرگاه کوه مقابل	امکان دید از منظر دور
پاسخ به نیاز استفاده‌کنندگان	نیاز معنوی	نیاز معنوی و زیباشناسی	نیاز معنوی
درک هویت نیایشگاه	ملموس و مستقیم	غیر ملموس و در ارتباط با کوه مقابل	ملموس و مستقیم

چگونگی شکل‌گیری منظر آیینی در گرجستان

- نیایشگاه مستیا تک‌عنصر مذهبی است که در کنار مجموعه زیستی برپا شده است. وابستگی زندگی ساکنان زیستگاه با کشاورزی موجب شده مکان‌یابی نیایشگاه در ارتباط با کوه صورت گیرد. کوه و رودخانه پیرامون آن، دو عنصر طبیعی هستند که بازتاب طبیعت و فرهنگ را در منظر آیینی نشان می‌دهند.

- اوپلیستیخه مجموعه مذهبی مستقلی است که کوه مقابل، بر آن تسلط دارد و از نظر زیباشناسی بیننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در اوپلیستیخه کوه مقدس آن در مقابل مجموعه عبادتگاهی قرار دارد. نقش منظر طبیعی در شکل‌گیری منظر آیینی، با تأکید

مجموعه بر کوه مقابل مشاهده می‌شود.

- صومعه جواری در متسختا بر مجموعه‌های زیستی پیرامون خود تسلط دارد. این تک‌عنصر مذهبی خارج از مجموعه‌های زیستی و بر کوه مقدس استقرار یافته است. آنچه این کوه را از نقاط هم ارتفاع محدوده پیرامون متمایز ساخته، پیوند دو رود در نزدیکی آن است. تلاقی این دو رودخانه در کنار کوه نقش مهمی در شکل‌گیری این بنا داشته است. علاوه بر کوه، رودخانه نیز، رد پای طبیعت را در پیوند منظر طبیعی با منظر آیینی نمایان می‌سازد (جدول ۲).

جدول ۲. چگونگی شکل‌گیری منظر آیینی. مأخذ: نگارنده.

متسختا	اوپلیستیخه	مستیا	موقعیت قرارگیری نسبت به مجموعه‌های اطراف
خارج از مجتمع‌های زیستی و در ترکیب با آنها	مجموعه آیینی مستقل	در کنار مجموعه زیستی	
تک‌عنصر شاخص	مجموعه در ترکیب با طبیعت بکر	تک‌عنصر شاخص	شاخص ساختن نیایشگاه
برپایی صومعه بر روی کوه و در نقطه تلاقی دو رود	شکل‌گیری عبادتگاه در مقابل کوه مقدس با تأکید بر رودخانه میانی	مکان‌یابی نیایشگاه بر روی کوه با تأکید بر رودخانه پیرامون کوه	پیوند منظر فرهنگی و منظر طبیعی

نتیجه‌گیری

منظر طبیعی و آیینی گرجستان ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. منظر آیینی بخشی از منظر فرهنگی است که در بستر طبیعی به اشکال گوناگون نمود پیدا کرده است. در پژوهش میدانی اگرچه سه مجموعه مستیا، اوپلیستیخه و متسختا به جهت اقلیم، دوره ساخت و معماری تفاوت داشته‌اند، اما در هر سه مورد مکان مقدس در ارتفاعات شکل گرفته و هدف اصلی معنویت و نیایش بوده است. سایر عملکردها از جمله بافت مسکونی در جوار آن شکل گرفته که گاه عملکرد غالب می‌شود و گاه به تناسب ارتقای فرهنگ ساکنین زیباشناسی از عملکرد پیشی می‌گیرد.

از مقایسه سه منظر آیینی در مستیا، اوپلیستیخه و متسختا به نظر می‌رسد علی‌رغم منظر فرهنگی متفاوت همواره عناصر طبیعی نقش اساسی در شکل‌گیری منظر آیینی گرجستان داشته‌اند. طبیعت، بستر شکل‌گیری نیایشگاه‌ها بوده و ابتدا عنصر مقدس "کوه" نقطه شاخص در مکان‌یابی آنها شناخته شده، سپس این عنصر در پیوند با رود نقطه عطفی به وجود آورده که مناسب‌ترین مکان (باتوجه به اعتقادات مذهبی) برای شکل‌گیری نیایشگاه باشد.

کوه در طول تاریخ مقدس شمرده شده و مکان برقراری ارتباط با ایزدان بوده است. چنانکه در تمام ادیان و باورها از بودایی، هندو، مسیحی، زرتشتی و اسلام و باورهای پیش از زرتشت کوه و آب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. گرجی‌ها نیز همانند بسیاری از اقوام برای این عنصر طبیعی اهمیت ویژه‌ای قایل بوده و اماکن مذهبی را با اهداف گوناگون بر روی کوه و بلندی بنا کرده‌اند. چنانکه در گذر زمان و با تغییر مذهب و فرهنگ این اعتقاد حفظ شده است.

تفاوت‌های ذکر شده در سه نمونه مذکور ناشی از میزان و نوع مداخله در طبیعت است که در سه سطح مختلف "نیاز مادی"، "نیاز مادی در کنار زیباشناسی" و "نیاز مادی همراه با تسلط بر محدوده پیرامون" بوده است. اما در هر سه مورد پاسخ به نیاز معنوی از طریق برقراری ارتباط میان منظر طبیعی و منظر فرهنگی، با محوریت نقش فرهنگی کوه صورت پذیرفته است. در واقع در این سرزمین، جایگاه کوه در گذر از آیین، از منظر طبیعی به منظر فرهنگی ارتقا پیدا کرده است.

فهرست منابع

- آزاد، میترا. (۱۳۸۴). نیایشگاه‌های صخره‌ای در ایران. کتاب ماه هنر، (۸۳ و ۸۴): ۴۶-۶۲.
- البیاده، میرچیا. (۱۳۷۲). رساله در تاریخ ادیان، ترجمه: جلال ستاری، تهران: انتشارات سروش.
- جنیدی، فریدون. (۱۳۸۶). زندگی و مهاجرت آریائیان بر پایه گفتارهای ایرانی با نگرش تازه. تهران: نشر بلخ.
- پورجعفر، محمدرضا و نژادابراهیمی، احد. (۱۳۸۸). تأثیر تغییر مذهب بر تغییر فضاهای مذهبی ارامنه مطالعه موردی وانک سنت استپانوس. مجله هنرهای زیبا، (۳۹): ۸۰-۶۹.
- جوادی، شهره. (۱۳۸۶). اماکن مقدس در ارتباط با طبیعت (آب درخت و کوه). مجله باغ نظر، (۸): ۲۲-۱۲.
- جوادی، شهره. (۱۳۹۲). بازخوانی روایت باستانی "آب و درخت" در دوران اسلامی ایران. مجله هنر و تمدن شرق، (۱۱): ۵۰-۴۳.
- حیدری، احمد. (۱۳۸۱). گور- نیایشگاه صخره‌ای تاق بستان، مجله اثر، (۳۳ و ۳۴): ۹۹-۸۸.
- غضنفری، پروانه. (۱۳۸۷). منظر طبیعی. مجله منظر، (۱) (صفر): ۲۳-۲۰.
- منصور، سیدامیر. (۱۳۹۲). منظر آیینی، مجله منظر، (۵) (۲۴): ۵.
- هال، جیمز. (۱۳۸۰). فرهنگ نگاره‌ای نمادها در شرق و غرب. ترجمه: رقیه بهزادی، تهران: نشر و فرهنگ معاصر.

• Sauer, C. O. (1925). The Morphology of Landscape. *University of California Publications in Geography*, 2 (2):19-53.